

## اگر آمریکا باید کمونیستی شود

### مقدمه از بین الملل چهارم

کمپین حمایت شده توسط سرمایه‌دار در تعقیب افسونگران *hunters* witch بر علیه ایده‌های مارکسیستی، امروز هدفش اینست که این تصور غلط را بوجود بیاورد که کمونیزم بطور کامل با زندگی آمریکایی بیگانه و مخالف رفاه مردم آمریکا است. در دهه سی، در امتداد گسترش سریع احساسات ضد سرمایه‌داری پس از رکود بزرگ، علاقمندی توده‌ای قابل توجهی در چشم‌انداز یک آمریکای کمونیستی بوجود آمد. در این خصوص سردبیران مجله‌ی آزادی برای دستیابی به چشم‌اندازی دور از آن چیزی که آینده‌ی کمونیست برای آمریکا در چنته دارد به تروتسکی روی آوردند.

\* \* \*

همبخشی تروتسکی، در خطاب به جامعه‌ی گسترده آلوده به تعصبات ضد کمونیستی و بیزارشده توسط استالینیزم، بدنبال این بود که نشان دهد که چه طرق پیشرفت گسترده‌ای توسط یک انقلاب سوسیالیستی پیروز شده در پیشرفته‌ترین کشور جهان برای آن‌ها میسر خواهد گشت. این مقاله در ۲۳

مارس سال ۱۹۳۵ در مجله‌ی آزادی بچاپ رسید که در آن زمان به بحث‌های زیادی در مطبوعات دامن زد.

\* \* \*

اگر آمریکا در نتیجه‌ی مسائل و مشکلاتی که نظام اجتماعی سرمایه‌داری شما قادر به حل و فصل آن‌ها نیست، روی به کمونیزم آورد، در خواهد یافت که کمونیزم به دور از استبداد بوروکراتیک غیرقابل تحمل و گروه‌بندی فردی، بوجود آورنده‌ی آزادی فردی بیش‌تر و وفور سهم‌بری بیش‌تر خواهد بود.

در حال حاضر بسیاری از مردم آمریکا کمونیزم را تنها در پرتو تجربه اتحاد جماهیر شوروی در نظر می‌آورند. آن‌ها می‌ترسند که مبدا شورائگرایی در آمریکا برای آنان همان نتیجه‌ی مادی ای را به ارمغان بیاورد که برای مردم از لحاظ فرهنگی عقب مانده‌ی اتحاد جماهیر شوروی بیار آورد.

آن‌ها وحشت دارند که مبدا کمونیزم سعی نماید که آن‌ها را با تخت آنگلوساکسون (Procrustes 1) همسان گرداند، و آن‌ها به سنگر محافظه‌گرایی آنگلوساکسون به مثابه یک مانع فائق نیامدنی حتی برای رفورم‌های احتمالاً مطلوب اشاره می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که بریتانیای کبیر و ژاپن علیه حکومت شوراهای آمریکایی دست به مداخله‌ی نظامی خواهند زد. آن‌ها مضطربند که مبدا آمریکایی‌ها در عادات لباس پوشیدن و رژیم غذایی خود مقید شوند، و ادار شوند که با جیره دوره‌ی قحطی زندگی را بگذرانند، مجبور به خواندن تبلیغات رسمی کلیشه‌ای در روزنامه‌ها شوند، ناگزیر شوند که به مثابه مهری پلاستیکی برای تصمیم‌گیری که بدون مشارکت فعال خودشان اتخاذ گردیده به خدمت گرفته شوند و یا از آنان درخواست شود که

افکار خود را برای خود نگه دارند و با صدای بلند رهبران شورایی خود را در ملاء عام، در ترس از زندان و تبعید ستایش نمایند.

آن ها از تورم پولی، استبداد بوروکراتیک و نوار قرمز غیرقابل تحمل در به دست آوردن ضروریات زندگی وحشت دارند. آن ها از استنادار گذاری بی روح در هنر و علوم، و همچنین در ضروریات زندگی روزمره وحشت دارند. آن ها وحشت دارند که تمام خودانگیزگی سیاسی و آزادی مفروض مطبوعات توسط دیکتاتوری یک بوروکراسی هیولا گونه نابود شود. و آن ها در تفکر اینکه مجبور به رانده شدن به یک سیالیت غیر قابل درک دیالکتیک مارکسیستی و فلسفه اجتماعی تحت نظم و ترتیب، بشوند مرتعش هستند. آن ها در یک کلمه وحشت دارند که آمریکای شورایی معادل آن چیزی شود که به آن ها گفته شده که روسیه شورایی به مانند آن است.

در واقع حکومت شوراهای آمریکایی از شوراهای روسی متفاوت خواهند بود، همانگونه که پرزیدنت روزولت ایالات متحدهی آمریکا از امپراطوری روسیه تزار نیکلای دوم متفاوت است. با این حال کمونیزم در آمریکا تنها می تواند از طریق انقلاب بوقوع بپیوندد، درست همانگونه که استقلال و دموکراسی در آمریکا به وقوع پیوست. خلق و خوی آمریکایی پُر انرژی و خشن است، و قبیل از آنکه کمونیزم بصورتی مستحکم بنیاد شود، بر روی شکستن مقدار قابل توجهی از ظروف و گاری های سیب پافشاری خواهد کرد. آمریکایی ها پُر شوروشوق و ورزشکارند، پیش از آنکه متخصص و سیاستمدار باشند، و این امر بر خلاف سنت آمریکایی خواهد بود که بدون جانبداری و شکستن سرها، دست به ایجاد یک تغییر بزرگ بزند.

در هر حال، انقلاب کمونیستی آمریکا، به لحاظ ثروت ملی و جمعیت خود در مقایسه با انقلاب بلشویکی در روسیه، صرف نظر از آنکه چقدر هزینه‌ی نسبی آن عظیم باشد، بی اهمیت خواهد بود. به دلیل آنکه جنگ داخلی با سرشت انقلابی توسط تعداد انگشت شماری از مردان از بالا مبارزه نمی‌شود. ۵ یا ۱۰ درصدی که مالک نه دهم ثروت آمریکا است، این تعداد انگشت شمار می‌توانند ارتش ضدانقلابی خود را تنها از میان طبقات متوسط پایین استخدام نمایند. با این حال، انقلاب با نشان دادن آنکه تنها شوراهای می‌توانند چشم انداز نجات را به آن‌ها ارائه دهند، به راحتی می‌تواند آن‌ها را به زیر درفش خود جذب نماید.

همه‌ی کسانی که در پایین دست این گروه قرار دارند در حال حاضر از لحاظ اقتصادی برای کمونیزم آماده هستند. رکود اقتصادی طبقه‌ی کارگر شما را ویران کرده است و ضربه‌ی ای خرد کننده به کشاورزان وارد آورده است، که در حال حاضر با سقوط طولانی مدت کشاورزی دهه پس از جنگ نطمه دیده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که این گروه‌ها باید با مقاومتی مصمم با انقلاب مقابله نمایند؛ آن‌ها هیچ چیزی برای از دست دادن ندارند، البته با ارائه‌ی آنکه رهبران انقلابی سیاست دور اندیشانه و ملایمی را به سوی آنان اتخاذ نمایند.

چه کسان دیگری بر علیه کمونیزم مبارزه خواهند کرد؟ محافظان جانی بیلیونرها و میلیاردرهای متعدد شما؟

میلیونرهایی با ثروت چند میلیونی؟ ملون‌ها، مورگان‌ها، فوردها و راکفلرهای شما؟ آن‌ها مبارزه را در اسرع آنکه موفق نشوند مردم دیگری را پیدا نمایند که برای آن‌ها بجنگند، متوقف خواهند کرد.

دولت شورایی آمریکایی، قاطعانه فرمادهای بالای بانک‌ها، صنایع کلیدی و سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطات را در دست خواهد گرفت. سپس به کشاورزان، به پیشه‌وران کوچک و صاحبان شرکت‌های دادوستد بخوبی وقت طولانی خواهد داد که به مسائل فکر کنند و ببینند که چگونه بخش ملی صنایع کارکرد خواهد داشت.

اینجا جایی است که شوراهای آمریکایی می‌توانند معجزه‌ای واقعی بیافرینند. "تکنوکراسی" تنها تحت کمونیزم، هنگامی که دست‌های مرده حق مالکیت خصوصی و سود شخصی از سیستم صنعتی شما برداشته شود، می‌تواند به حقیقت بپیوندد. شجاعانه‌ترین طرح‌های کمیسیون هوور در مورد استاندارد کردن و عقلانی نمودن، در مقایسه با امکانات نوینی که از طریق کمونیزم آمریکایی فراهم می‌آید، کودکانه به نظر می‌رسند.

صنعت ملی در امتداد دستگاه خط انتقالی در کارخاتجات خودرو مدرن با تولید مداوم سازمان داده خواهد شد. برنامه‌ریزی علمی از کارخانه فردی بر گرفته خواهد شد و به تمامیت سیستم اقتصادی اعمال خواهد گشت. نتایج شگفت‌انگیز خواهند بود.

هزینه‌های تولید به ۲۰ درصد یا کمتر، از ارقام فعلی خود کاهش خواهند یافت. این، به نوبه خود، به سرعت قدرت خرید کشاورزان را افزایش خواهد داد.

برای اطمینان، شوراهای آمریکایی شرکت‌های غول‌پیکر زراعی خود را به مثابه مدارس اشتراکی داوطلبانه ایجاد خواهند کرد. کشاورزان شما به راحتی می‌توانند محاسبه کنند که آیا به نفع منافع فردی آنان بود که به‌مثابه حلقه‌هایی منفرد باقی بمانند و یا آنکه به جامعه بپیوندند.

همین روش برای پیوستن شرکت های کوچک به سازمان صنعت ملی اتخاذ خواهد شد. با کنترل شورایی مواد خام، اعتبارات و سهمیه سفارشات، این صنایع ثانوی می توانند حلال مشکلات نگه داشته شوند تا زمانی که بصورت تدریجی و غیراظطراری به درون سیستم کسب و کار اجتماعی مکیده شوند. بدون اجبار! شوراهای آمریکایی نیازی به توسل جویی به اقدامات جدی ای که شرایط، اغلب به روس ها تحمیل کرده است، ندارند. در ایالات متحده، از طریق دانش روابط اجتماعی و تبلیغات، شما ابزار برنده شدن حمایت طبقه می متوسط خود را که در اتحاد جماهیر شوروی عقب مانده با اکثریت قریب به اتفاق بینوایان و دهقانان بی سواد خود، دور از دسترس بودند، را دارید. این، علاوه بر تجهیزات فنی و ثروت شما، بزرگترین سرمایه‌ی انقلاب کمونیستی آینده شما است.

انقلاب شما در سرشت خود ملایم‌تر از انقلاب ما خواهد بود، شما، انرژی و منابع خود را در درگیری های اجتماعی پرهزینه پس از تصمیم‌گیری بر روی مسائل اصلی، به هدر نخواهید داد؛ و شما در نتیجه سریعاً به پیش خواهید تازید.

حتی شدت و وابستگی به احساسات مذهبی در آمریکا، مانعی بر سر راه انقلاب نمودار نخواهد کرد. اگر چشم‌انداز شما در آمریکا در نظر گرفته شود، هیچیک از بازدارندگان روانی به اندازه کافی اثبات نخواهد کرد که فشار بحران اجتماعی را به تعویق اندازد. این امر بیش از یک بار در طول تاریخ نشان داده شده است. علاوه بر این، نباید فراموش شود که انجیل خود بخشاً حاوی کلمات قصار بسیار انفجاری است.

در مورد مخالفان نسبتاً معدود انقلاب شوروی، می‌توان به نبوغ مبتکر آمریکا اعتماد کرد. این شاید به خوبی ممکن باشد که شما میلیونرهای غیر متقاعد خود را گرفته و به برخی از جزایر زیبا، برای همیشه بدون اجاره، جایی که آن‌ها می‌توانند هر آنچه را که خوشایند آنان است، انجام دهند، بفرستید.

شما می‌توانید با خیال راحت این را انجام دهید، برای اینکه شما نیاز به ترس از مداخلات خارجی ندارید. ژاپن، بریتانیا و کشورهای سرمایه‌داری دیگر که در روسیه دخالت نمودند نمی‌توانند هیچ کاری انجام دهند، بجز آنکه بگذارند کمونیزم آمریکا به سرانجام رسد. در حقیقت، پیروزی کمونیزم در آمریکا - این دژ محکم سرمایه‌داری - باعث خواهد گشت که کمونیزم به کشورهای دیگر گسترش یابد. ژاپن احتمالاً به صفوف کمونیستی حتی قبل از استقرار شوراهای آمریکایی خواهد پیوست. این بدرستی در مورد بریتانیای کبیر صدق می‌کند.

در هر صورت، حتی به مثابه یک حمله به طرف جنوب و نصف قاره‌ی محافظه‌کارتر شما باشد، این یک ایده‌ی دیوانه‌واری خواهد بود که ناوگان اعلیحضرت بریتانیا را بر علیه حکومت شورایی آمریکا روانه کرد. این امر می‌تواند ناامیدکننده باشد و هرگز فرا تر از یک فرار نظامی درجه دوم نرود. در عرض چند هفته یا چند ماه از استقرار شوراهای آمریکایی، پان آمریکنیزم یک واقعیت سیاسی خواهد گردید.

دولت‌های آمریکای مرکزی و جنوبی بمانند براده‌های آهن به آهن‌ریا، به همین‌گونه کانادا، بسوی فدراسیون شما جذب خواهند گشت.

جنبش های مردمی در این کشورها به حدی قدرتمند خواهند بود که در یک دوره کوتاه و با هزینه هایی ناچیز این پروسه اتحاد سترگی را به پیش خواهند راند. من آماده هستم که شرط ببندم که اولین سالگرد شوراهاى آمریکایی، نیمکره غربی را خواهد یافت که به شوراهاى متحده آمریکای شمالی، جنوبی و مرکزی، با پایتخت خود در پاتاما، مبدل گردد. بدینگونه برای اولین بار دکتترین مونرو معنایی کامل و مثبت در امور جهانی خواهد گرفت، اگر چه نه آئی که توسط نویسندگان اش پیش بینی شده است.

علیرغم شکایت برخی از محافظه کاران افراطی شما، روزولت برای متحول نمودن شوراهاى متحده آمریکا آمادگی فراهم نمی سازد.

**NRA** هدفش نه از بین بردن، بلکه تقویت پایه های سرمایه داری آمریکا به منظور غلبه کرد نمودن بر مشکلات کسب و کار شماسست. نه عقاب آبی، بلکه مشکلاتی که عقاب آبی ناتوان است که بر آن فائق آید، کمونیزم را به آمریکا خواهد آورد. استادان "رادیکال" مغزهای شرکت های اتحادی شما، انقلابی نیستند: آن ها فقط محافظه کاران وحشت زده ای هستند. رئیس جمهور شما از "سیستم" و "عمومیت بخشیدن" متفر است، اما یک دولت شورایی، بزرگترین همه ی سیستم های ممکن است، کلیتی غول آسا در عمل است.

انسان در حد متوسط، سیستم یا کلیات، هر دو را دوست ندارد. این وظیفه ی دولتمردان کمونیست شماسست که سیستم را به حمل کالاهاى مشخصی که انسان در حد متوسط خواهان آن است مجهز نماید: مواد غذایی او، سیگار برگ، سرگرمی، آزادی انتخاب کراوات خود، خانه خود و



اتوموبیل خود. این آسان خواهد بود که به او این وسایل رفاهی در شوراهای آمریکایی داده شود.

اکثر آمریکایی‌ها توسط این حقیقت که ما در اتحاد جماهیر شوروی برای ساخت کل صنایع جدید باید از هیچ شروع می‌کردیم، گمراه شده‌اند. چنین چیزی نمی‌تواند در آمریکا اتفاق بیافتد، جایی که شما در حال حاضر مجبور شده‌اید در حوضه‌ی زراعی و تولید صنعتی خود کاهش ایجاد نمایید. در واقع تجهیزات تکنولوژیکی فوق‌العاده‌ی شما با بحران فلج‌گردیده و در حال حاضر خواهان آن است که مورد استفاده قرار گیرد. شما از نقطه‌ی شروع احیای اقتصادی خود قادر به ایجاد سریع مصرف توسط مردم خواهید شد.

هیچ کشوری به مانند شما برای اینکار آماده نیست. در هیچ کجای دیگری بررسی بازار داخلی به چنین حدتی به مثل ایالات متحده‌ی آمریکا نرسیده است. این توسط باتک‌ها، تراست‌ها، بازرگانان فردی، تجار، فروشندگان سیار و کشاورزان به عنوان بخشی از فوت و فن آنان بدست آمده است. دولت شورایی شما به سادگی تمام اسرار تجاری را لغو کرده، تمام یافته‌های این تحقیقات برای سود فردی را ترکیب نموده و آن‌ها را به یک سیستم علمی برنامه‌ریزی اقتصادی مبدل خواهد کرد. در این، دولت شما توسط وجود طبقه‌ی بزرگی از مصرف‌کنندگان با فرهنگ و منتقد کمک خواهید شد. با ترکیب صنایع ملی کلیدی، شرکت‌های خصوصی و همکاری دموکراتیک مصرف‌کنندگان، شما به سرعت یک سیستم بسیار انعطاف‌پذیری را برای خدمت به نیازهای جمعیت خود توسعه خواهید داد.

این سیستم نه با بوروکراسی و نه توسط پلیس، بلکه با پول نقد بکار خواهد افتاد.

دلار قادر مطلق شما سهمی اساسی در ساختار جدید سیستم شورایی شما ایفا خواهد کرد. این یک اشتباه بزرگ است که سعی کنید "اقتصاد برنامه ریزی شده" را با "مدیریت ارزی" ترکیب نمایید. پول شما باید به عنوان تنظیم کننده ای برای اندازه گیری موفقیت یا شکست برنامه ریزی شما عمل نماید.

استادان "رادیکال" شما کاملاً در اعتقادشان به "مدیریت پولی" در اشتباه هستند. این یک ایده‌ی دانشگاهی است که به راحتی می‌تواند کل سیستم توزیع و تولید شما را تخریب نماید. این بزرگ‌ترین درسی است که از اتحاد جماهیر شوروی، جایی که در آن ضرورت تلخ مبدل به تقوای رسمی در حوزه پولی شده است، استنتاج گردیده است.

عدم روبل طلای بی‌ثبات یکی از دلایل عمده‌ی بسیاری از مشکلات اقتصادی و فجایع ما است. این غیرممکن است که دستمزدها، قیمت‌ها و کیفیت کالاها را بدون یک سیستم پولی استوار تنظیم کرد. یک روبل بی‌ثبات در سیستم شورایی به مثابه در اختیار داشتن قالب‌هایی بی‌ثبات در یک کارخانه تسمه نقاله است. این کاربردی نخواهد داشت.

تنها زمانی که سوسیالیزم موفق به جایگزین کردن کنترل اداری با پول گردد، رهایی ارز با ثبات طلا ممکن خواهد گردید. سپس پول به ورقه‌های کاغذی معمولی مبدل خواهد گشت، مانند بلیط‌های واگن برقی یا تئاتر. به همان اندازه که سوسیالیزم توسعه می‌یابد، این کاغذها نیز ناپدید می‌شوند، و کنترل بر روی مصرف فردی -چه توسط پول و یا دولت- هنگامی که همه چیز برای همه بیش از اندازه کافی وجود دارد، دیگر ضروری نخواهد بود!

چنین زمانی هنوز فرا نرسیده است، اگرچه آمریکا قطعاً قبل از هر کشور دیگری به آن دست خواهد یافت. تا آن زمان، تنها راه رسیدن به چنین موقعیتی از توسعه، این است که معیار و تنظیم کننده ای مؤثر را برای کارکرد سیستم خود حفظ نمایید. در حقیقت، در طول چند سال اول، یک اقتصاد برنامه ریزی شده نیاز به پول معتبر حتی بیش تر از آنچه که سرمایه داری قدیمی به آن احتیاج داشت، دارد. پروفیسوری که با هدف تنظیم کل سیستم کسب و کار، واحد پولی را تنظیم می کند، مانند مردی است که تلاش می کند که هر دو پای خود را همزمان از زمین بلند نماید.

آمریکای شورایی به اندازه ی کافی دارای موجودی طلا برای ایجاد ثبات دلار خواهد بود - سرمایه ای بی بها. در روسیه، ما در حال توسعه کارخانه صنعتی امان با ۲۰ و ۳۰ درصد در سال هستیم، اما به علت روبل ضعیف - ما قادر به توزیع این افزایش به طور مؤثر نبوده ایم. این تا حدودی به دلیل آن است که ما اجازه داده ایم بوروکراسی ما نظام پولی ما را به یکسونگری اداری مبدل نماید. شما از این ضرر در امان خواهید بود. در نتیجه شما تا حد زیادی در هر دوی افزایش تولید و توزیع از ما پیشی گرفته، و این به پیشرفت سریع در آسایش و رفاه جمعیت شما منجر خواهد شد.

با این همه، شما نیاز ندارید که از تولید استاندارد ما برای مصرف کنندگان رقت بارمان تقلید نمایید. ما از روسیه تزاری میراثی فقیر با خود حمل کرده ایم، دهقاناتی از نظر فرهنگی توسعه نیافته با یک استاندارد پایین زندگی. ما می بایست کارخانه ها و سد هایمان را بر روی هزینه مصرف کنندگان خود بنا می نهادیم. ما تورم پولی مستمر و بوروکراسی هیولای گونه ای داشته ایم.

آمریکای شورایی نباید از روش های بوروکراتیک ما تقلید نماید. در میان ما عدم احتیاجات ضروری باعث شده است که تلاشی شدید برای یک قرص نان اضافه، یک یارد پارچه اضافه توسط همگان صورت پذیرد. در این مبارزه، بوروکراسی ما به مثابه یک سازشکار گام بجلو می نهد، به مثابه یک دادگاه حکمیت مطلق. از سوی دیگر، شما بسیار ثروتمندتر هستید و مشکل اندکی برای عرضه‌ی احتیاجات اولیه زندگی برای همه‌ی مردم خود خواهید داشت. علاوه بر این، نیازها، سلیقه‌ها و عادات شما هرگز اجازه نخواهد داد که بوروکراسی شما، درآمد ملی را تقسیم نماید. در عوض، زمانی که شما به جای منفعت های خصوصی، جامعه‌ی خود را برای تولید نیازهای انسانی سازمان دهید، کل جمعیت شما، خود را در اطراف روند و گروه های جدید متمرکز کرده، با یکدیگر مبارزه و از یک بوروکراسی مغرور و عبله‌اش بر آنان ممانعت می‌نمایند.

بنابراین شما می‌توانید با انعطاف پذیرترین فورم دولتی که تا به حال توسعه یافته است، از رشد بوروکراتیزم توسط عمل شوراهای که می‌شود آن را دموکراسی نامید، جلوگیری نمایید. سازمان شورایی نمی‌تواند به معجزه دست یابد، اما باید به سادگی منعکس کننده‌ی اراده مردم باشد. شوراهای ما در نتیجه‌ی انحصار سیاسی یک حزب واحد، که خود مبدل به بوروکراسی شده است، بوروکراتیزه شده اند. این وضعیت از مشکلات استثنایی پیشگام شدن سوسیالیستی در یک کشور فقیر و عقب مانده ناشی گردید.

شوراهای آمریکایی بدون نیاز یا فرصت برای اقداماتی به مثل شرایطی که بر روسیه تحمیل شده است، اصیل و نیرومند خواهند بود. سرمایه‌داران حیات نیافته‌ی شما، البته، هیچ جایی برای خود در وضعیت جدید نخواهند

یافت. مشکل است که هنری فورد را به مثابه رئیس شورای دیترویت تصور نمود.

اما مبارزه‌ی گسترده مابین ذی‌نفعان، گروه‌ها و ایده‌ها نه تنها غیر قابل تصور نیست - بلکه اجتناب‌ناپذیر است. طرح‌های یک ساله، پنج ساله، ده ساله توسعه‌ی کسب و کار؛ طرح‌های برای آموزش و پرورش ملی؛ ساخت و ساز خطوط اساسی جدید حمل و نقل؛ تحول مزارع؛ برنامه برای بهبود تجهیزات تکنولوژیکی و فرهنگی آمریکای لاتین؛ برنامه برای ارتباطات هواشناسی، اصلاح نژاد انسانی - همه‌ی این‌ها جدال، مبارزه‌ی انتخاباتی نیرومند و بحث‌های پرشورشوری را در روزنامه‌ها و در جلسات عمومی برپا خواهد نمود.

حکومت شورایی آمریکا از انحصار مطبوعات توسط سران بوروکراسی شوروی روسیه تقلید نخواهد کرد. ضمن آنکه حکومت شورایی آمریکا همه‌ی کارخانه‌های چاپ‌سازی، کارخانه‌های تولید کاغذ و وسائل توزیع را ملی کرده، این امر می‌تواند یک اقدام کاملاً منفی باشد. این بسادگی به معنی این است که سرمایه‌ی خصوصی دیگر قادر نخواهد بود تصمیم‌گیری کند که چه نشریاتی باید تأسیس شوند، آیا آن‌ها باید مترقی یا ارتجاعی باشند، "خیس" و یا "خشک" مقدس‌کرایانه و یا پورنوگرافیک. حکومت شورایی آمریکا باید راه‌حلی جدید برای این سنوال که چگونه قدرت مطبوعات در یک رژیم سوسیالیستی باید عملکرد داشته باشند، بیابد. این ممکن است براساس تناسب نمایندگی برای رای‌گیری در هر انتخابات شورایی انجام شود.

بدین معنا حق هر گروهی از شهروندان در استفاده از قدرت مطبوعات، بستگی به قدرت عددی آن‌ها دارد - پرنسیپ‌های مشابه‌ای در مورد استفاده

از سالن‌های جلسه بکار بسته خواهد شد، تخصیص زمان برای وسایل ارتباط جمعی و غیره.

بنابراین مدیریت و سیاست انتشارات نه با دفترچه‌های بانکی فردی بلکه با ایده‌های گروهی تصمیم گرفته خواهند شد.

این ممکن است محاسبه کمی از گروهایی کوچک اما مهم به حساب آید، اما این به سادگی بدان معنی است که هر ایده‌ی جدیدی به مثل تمامت تاریخ، مجبور خواهد گشت حق وجودی خود را به اثبات رساند.

حکومت شورایی آمریکا می‌تواند برای پژوهش و اختراع، اکتشافات، نوآوری‌ها و تجربیات در هر زمینه‌ای، بودجه‌ی وسیعی اختصاص دهد. شما از معماران و مجسمه‌سازان متهور، شاعران غیرمتعارف و فلاسفه بیبیاک خود غفلت نخواهید نمود.

در واقع، یانکی‌های شورایی حکومت آینده، در آن زمینه‌هایی که اروپا تا کنون استاد شما بوده است، رهبری خواهند شد. اروپایی‌ها درک اندکی از قدرت تکنولوژی برای تأثیرگذاری بر سرنوشت انسان دارند و بخصوص از زمان بحران، روش تمسخرانه برتری گرایانه‌ی نسبت به "آمریکایی"، اتخاذ کرده‌اند. با این حال، آمریکایی‌گرایی نقطه‌ی تفکیک واقعی قرون وسطی از دنیای مدرن است.

تا کنون غلبه بر طبیعت آمریکا، چنان بسیار خشن و پرشور بوده است که شما مجالی برای نوسازی فلسفه خود و یا توسعه اشکال هنری خود نداشته‌اید. از این رو شما به تعلیمات هگل، مارکس و داروین دشمنی ورزیده‌اید. سوزاندن آثار داروین توسط بابتیست‌های تنسی تنها بازتابی از خام دستی آمریکایی و دوست نداشتن اصول تکامل است. این نگرش محدود

به موعظه‌گران شما نمی‌شود. این هنوز بخشی از هویت عمومی فکری شماست.

بیخدایان و همینطور Quakers شما عقل‌گرایان مصممی هستند. و عقل‌گرایی خود توسط تجربه‌گرایی و اخلاق‌گرایی تضعیف می‌شود. این هیچ قدرت و انرژی بیرحم خردگرایان بزرگ اروپا را ندارد. بنابراین روش فلسفی شما حتی از سیستم اقتصادی و نهادهای سیاسی شما کهنه‌تر است.

امروز، شما کاملاً غیرآماده، مجبور به رویارویی با این تضادهای اجتماعی که در هر جامعه‌ای بدون انتظار رشد می‌نماید، شده‌اید. شما طبیعت را با استفاده از ابزارهایی که نبوغ مبتکرانه شما ایجاد کرده است، تسخیر کرده‌اید، اما تنها درمی‌یابید که ابزارهای شما، هیچ کاری بجز نابودی شما نکرده است. برخلاف تمام امیدها و آرزوهای شما، ثروت غیر قابل تصور شما، بدبختی غیر قابل تصویری را به وجود آورده است. شما کشف کرده‌اند که توسعه اجتماعی فورمول ساده‌ای را دنبال نمی‌کند. از این رو شما به زور به مدرسه دیالکتیک داخل شده‌اید. که بمانید.

هیچ راه برگشتی از این نوع تفکر و عملکرد که در قرون هفدهم و هجدهم متداول بوده است وجود ندارد.

ضمن آنکه کله خشکان رومانتیک آلمان نازی رویای بازگرداندن نژاد قدیمی جنگل تاریک اروپا را به اصل پاکش، یا ترجیحاً به کثافت اصلی اش، در سر می‌پرورانند، شما آمریکایی‌ها، پس از چنگ انداختن بر ماشین‌آلات اقتصادی و فرهنگ خود، روش‌های واقعی علمی‌ای را در حل اصلاح نژادی بکار خواهید بست. برای اولین بار در طی یک قرن، از دیگر آمیختگی

نژادهای مختلف شما نسل جدیدی از بشریت به بیرون خواهد آمد- که بدرستی شایسته‌ی نام انسان است.

و آخرین پیشگویی پیامبرانه: در سومین سال حکومت شورایی تان در آمریکا، شما دیگر آدامس نخواهید جوید!

لئون تروتسکی

آگوست 1934

<http://www.marxists.org/archive/trotsky/1934/08/ame.htm>

منبع: تجدید چاپ شده در بین الملل چهارم، ۲. NO. ۷۱۲. ماه‌های مارس و آوریل سال ۱۹۵۱، ۵۷-۵۴ pp. (از لیبرتی، ۲۳ مارس ۱۹۳۵)

مترجم: ژاله سهند

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل نشر کارگری سوسیالیستی: [nashrKargarSocialisti@gmail.com](mailto:nashrKargarSocialisti@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری